

ریزومیک شدن پیشگیری از جرم در پرتو ریزومیک شدن ارتکاب جرم*

□ شهرداد دارابی^۱

چکیده

مطالعات جرم‌شناختی همواره بر علت‌شناسی بزهکاری تا پیشگیری از آن متمرکز بوده است، آن‌چنان‌که واضعان سیاست جنایی معمولاً سعی نموده‌اند تا با توجه به اهمیت و ارزش راهبرد پیشگیری از جرم، بر این مهم سرمایه‌گذاری نموده و موج بزهکاری را عقب برانند. با این حال، مهندسی تدابیر پیشگیرانه اعم از گونه‌های جامعه‌مدار یا موقعیت‌مدار با تغییر اشکال جرایم، شرایطی جدید به خود گرفته است. ریزومیک شدن جرایم، مفهومی ضد تمرکز است که متضمن گسترش سیال، متکثر، نامکانی و زنجیره‌ای شدن جرایم در جامعه است؛ پدیده‌ای که از یک سو به عنوان چالشی جدی فراروی متولیان سیاست جنایی قرار گرفته و از سوی دیگر در مقابل آورده‌های مکتب بوم‌شناسی جنایی با تأکید بر مناطق بزهکاری و کانون جرایم قرار می‌گیرد. از این رو اگرچه راهبرد پیشگیری وضعی از جرم با سلسله پیچیده از نظارت‌های فناورانه ریزومیک، مورد

استقبال جوامع قرار گرفته و در منظر اول امکان کنترل جرایم ریزومیک شده را تا اندازه‌ای ممکن ساخته است. در عین حال راهکار اساسی، استفاده حداکثری از گونه پیشگیری اجتماعی است که با ارتقای خودکنترلی شهروندان و شخصیت‌سازی، از انعقاد تفکر مجرمانه در اذهان افراد جامعه جلوگیری نموده و جامعه را در برابر پدیده ریزومیک شدن جرایم مصون می‌سازد. در این نوشتار، با بررسی جنبه‌ها و جلوه‌های ریزومیک شدن جرایم، راهبرد مؤثر پیشگیری از این مهم تبیین می‌شود.

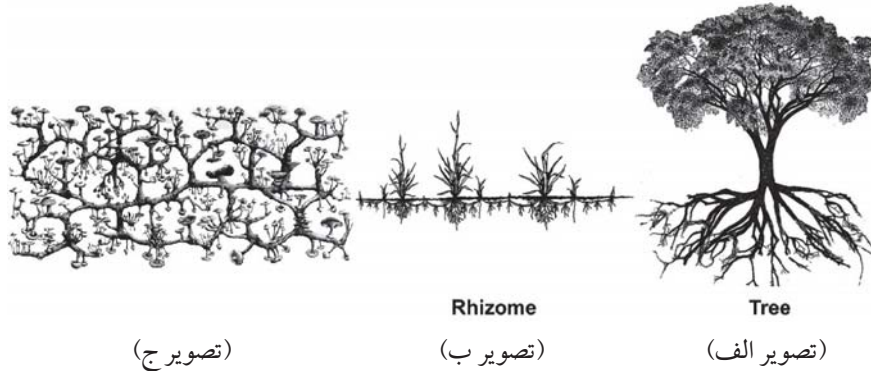
واژگان کلیدی: ریزومیک شدن جرایم، سیاست جنایی، پیشگیری وضعی فناورانه، پیشگیری اجتماعی، خودکنترلی.

مقدمه

آهنگ رو به رشد بزهکاری در جوامعی که تا پیش از این، وقوع جرایم را به واسطه رویت‌پذیری و قابلیت گزارش‌دهی در مناطقی معین رصد می‌نمودند، مبین آن است که جرایم همواره تابع اشکال سنتی و کلاسیک خود نبوده و در جوامع مدرن متأخر، اشکال جدید یافته‌اند؛ آن‌چنان که صرفاً قلمرو خاصی را نمی‌توان برای وقوع پدیده مجرمانه در نظر گرفت و بر خلاف مطالعات اکولوژیکی مبنی بر ملاحظات کانونی بزهکاری، جرایم معطوف به یک منطقه خاص نیستند.

ریزوم از ریشه یونانی Rhizoma به معنای توده - ریشه است و در زیست‌شناسی و گیاه‌شناسی به گیاهی اطلاق می‌شود که اغلب دارای ریشه‌های خارجی و ساقه‌های خزننده است. اگر ریزوم را به قطعات کوچک قسمت کنیم، هر قطعه قادر به تولید یک گیاه جدید است. بر خلاف درخت که در نقطه‌ای ثابت ریشه می‌گیرد، ریزوم حتی هنگامی که شکسته یا از هم گسسته می‌شود، باز هم می‌تواند حیات خود را از سر بگیرد و در جهات دیگری رشد کند (رامین‌نیا، ۱۳۹۴: ش ۴۰/۳۲). ژیل دلوز فیلسوف شهیر فرانسوی، در برابر مدل درختی اندیشه که مفاهیمی مانند کلیت، پایگان، نظم، وحدت و بودن را در بر می‌گیرد، مفاهیمی چون اتصال، نقشه، چندگانگی، شدن، عزیمت و اندیشه کوچ‌گر را ارائه نمود (Williams, 2004: 26). ریزومیک شدن جرایم که با بهره‌گیری از استعاره‌ای زیست‌شناسی وارد ادبیات علوم جنایی تجربی شده است، به معنای آن است که بر خلاف ریشه اصلی درخت که در عمق و یک جهت خاص سیر می‌کند (تصویر الف)، جرایم مانند ریزوم‌ها در جهات گوناگون به صورت

افقی در سطح روان هستند و از اشکال سنتی یا کلاسیک، نهادمند، سازمان یافته، مکان مند یا جسم مند خارج شده اند؛ آن چنان که به دلیل خصلت پویا و غیر خطی ریزوم ها، جرایم نیز پیوسته در قلمروها و فضاهای گوناگون گسترش می یابند (تصویر ب و ج).



بنابراین خصایص این پدیده، شیوع، منتشر شدن، پخش شدن و پراکنده شدن جرایم در سراسر جامعه است که با گسترش دنیای مجازی در فضاهای شهری نیز ارتباط دارد (کازمی، ۱۳۸۸: ۳۲۷). اگر تا قبل از رشد و توسعه فناوری و گسترش فضای سایبری، جرایمی همچون کلاهبرداری، جعل، سرقت و... مستلزم تقارن بزهکار و بزه دیده ملموس بود و برای مثال تحقق جرمی مثل کلاهبرداری منوط به توسل به مانورهای متقلبانه توأم با سوء نیت، اغفال قربانی و بردن مال دیگری در دنیای مادی بود، عدم حضور فیزیکی افراد، نامتقارن شدن بزهکار و بزه دیده و گاهی ناشناس ماندن آن ها در دنیای مجازی که دقیقاً مانند ریزوم همواره خود را گسترش می دهد، موجب استحاله امنیت شهری و توسعه مفهوم ناامنی در جوامع شده است. بی تردید ریزومیک شدن جرایم منجر به ریزومیک شدن بزه دیدگان و حتی ریزومیک شدن کیفر نیز شده است؛ پدیده ای که متولیان سیاست جنایی دولت ها را با گسست و شکست در راهبردهای پیشگیرانه مواجه ساخته است.

ناگفته پیداست که پیدایش ابزار و وسایل پیشگیرانه وضعی فنی و فناورانه موجب پایش و مراقبت حداکثری در فضاهای جامعه شده است و از منظر بسیاری از اندیشمندان، در کنترل بزهکاری مؤثر بوده است. با وجود این، افزایش نگران کننده بزهکاری و احساس ترس از بزه دیده شدن، حاکی از آن است که پیشگیری از طریق

نظارت فیزیکی و رویکرد امنیت‌مدار، در برابر ریزومیک شدن جرایم ممکن نمی‌شود و راهبرد مؤثر پیشگیری از این پدیده، مستلزم تمرکز بر مسائل اجتماعی و فرهنگی است. مطالعه فرایند ریزومیک شدن جرایم و گونه‌های مؤثر پیشگیری از این مهم، موضوع نوشتار حاضر است. پرسش اساسی آن است که راهبرد مؤثر پیشگیری از ریزومیک شدن جرایم چیست؟ برای پاسخ به این پرسش با رعایت روش توصیفی - تحلیلی، در گفتار اول تقابل ریزومیک شدن جرایم با مناطق بزهکاری بررسی شده و در گفتار دوم راهبرد مؤثر پیشگیری از ریزومیک شدن جرایم تحلیل می‌شود.

گفتار اول: نظریه ریزومیک شدن جرم در برابر نظریه کانون جرم

تغییر یا تبدیل اشکال جرایم از نوع سنتی آن به جرایم پیچیده و نامکانی شدن آن‌ها، از واقعیت‌های انکارناشدنی جوامع امروزی است؛ پدیده‌ای که دستاوردهای مکتب شیکاگو را با تأکید بر رابطه مستقیم میان بزهکاری و مناطق خاص به محاق می‌برد. محققان مکتب بوم‌شناسی جنایی یا شیکاگو رابطه بین ساختار بزهکاری و شهرسازی را مطالعه کردند؛ با این هدف که دریابند آیا بزهکاری در شهرها تابع منطق منطقه‌ای و محلی است یا خیر، و اسم آن فضاها را مناطق بزهکاری نامیدند. مطالعات آن‌ها بیانگر آن بود که محل زندگی بزهکاران صرف نظر از ادوار زمانی مورد بررسی، محله‌های مشابه است و به رغم جابه‌جایی و عوض شدن جمعیت آن محله یا منطقه مسکونی خاص، نرخ جرم تغییری نمی‌کند. مطالعات از روی نقشه نشان می‌داد که در محله‌هایی که نظم اجتماعی از هم گسیخته است، بزهکاری بیشتر است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۵۰). بنابراین استدلال جرم‌شناسان متأثر از مکتب شیکاگو آن است که زیست‌بوم جنایی، محله‌ها و مناطق بزهکاری به عنوان علل جرم اهمیت بسزایی دارند و هدف‌های مناسبی برای طراحی برنامه‌های پیشگیرانه می‌باشند؛ رویکردی که در منظر اول از حاشیه شهرها به عنوان کانون‌های جرم‌خیز یاد می‌کند و مناطقی را که بزهکاری در آن‌ها تمرکز یافته است، به عنوان نقاط کانونی جرم معرفی می‌نماید. این اماکن در ترسیم نیم‌رخ جنایی شهر، نقشه‌نگاری جرم و تعیین موقعیت‌های آسیب‌پذیر امنیتی - اجتماعی شهری، حائز اهمیت تلقی شده و به عنوان مبنای تحلیل‌ها و تبیین بزهکاری محسوب می‌شوند.

با این تفاسیر، جرم یک پدیده مکانی است و به اشکال مختلفی می‌توان وقوع جرایم متنوعی را به مکان‌های خاص نسبت داد. لذا طبقه‌بندی مکانی جرایم می‌تواند در شناسایی تناسب میان برخی جرایم با برخی مکان‌ها کمک شایان توجهی نماید (مقیمی، *دائرة المعارف علوم جنایی*، ۱۳۹۵: ۸۳۳). از این رو جرایم جایگاه مشخصی دارند و در جهت معینی روان هستند و عده‌ای تنها به دلیل تردد یا سکونت در یک نقطه از شهر، برچسب منحرف یا مجرم به خود می‌گیرند. در مقابل، پدیده ریزومیک شدن جرایم چالشی رو به رشد است که فراتر از مرزهای مکانی قرار دارد و تمرکز بر مناطق بزهکاری را -به ویژه در جرایم سایبری- نفی می‌نماید.

بدین‌سان اگر تا پیش از این، بر اساس نظریه زیست‌بوم جنایی چنین استدلال می‌شد که جرم در منطقه خاصی مثل حاشیه شهر توسط افرادی که گرفتار نابسامانی اجتماعی هستند، ارتکاب می‌یابد و شاید با الحاق حاشیه شهر و ایجاد عمران و آبادی، احساس عدم تعلق افراد به آن سرزمین مرتفع شود؛ اما امروزه با ریزومیک شدن جرایم شاهد آن هستیم که جرم در هر نقطه از شهر حتی در محیط‌های کنترل‌شده نیز رشد و توسعه می‌یابد.

ریزوم در نفس خود متعدد و آزاد از قید یگانگی است؛ پس ریزوم عامل ارتباط و دگرزایی است، به نحوی که امکان ایجاد شبکه‌ای بی‌پایان را فراهم می‌کند؛ زیرا هر نقطه از آن می‌تواند به نقاط دیگر آن وصل شود (Deleuze & Guattari, 2015: 12). تفکر ریزومیک، جرم را در پستوهای فضاهای شهری دنبال می‌کند؛ یعنی در لایه‌های پنهان آن که از تیررس قانون دور است و گاهی در اشکال به ظاهر مشروع و در فضاهای رسمی پنهان می‌شود. اینک قلمروهای نهادی و مشروع فعالیت‌های اجتماعی به عرصه‌هایی برای فعالیت‌های پنهان مجرمانه بدل شده است. از این رو ادارات دولتی، مراکز تفریحی و خرید و فضاهای سالم شهری بی‌آنکه ظاهری ناسالم بیابند به نحو نامرئی مکانی برای جرایم می‌شوند (کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۲۷). بر خلاف رویکرد مناطق بزهکاری، بر مبنای این تفکر، نباید صرفاً به دنبال اماکن و کانون‌های جرم‌خیز^۱ گشت؛

۱. کاربرد اصطلاح نقاط یا کانون‌های جرم‌خیز برای تبیین فراوانی جرم در مکان‌های معین به کار می‌رود (براکا، ۱۳۹۴: ۳۹۸).

بلکه هر فضایی قابلیت جرم‌خیز بودن را یافته است. مبدأ جرایم ریزومیک شده به آسانی قابل کشف نیست؛ برای مثال نشر اکاذیب یا افترا، انتشار بلوتوث‌های حریم خصوصی افراد یا غیر اخلاقی، پیامک‌ها یا رایانامه‌های مشابه، ریزومیک شدن بزه‌دیدگان کلاهبرداری یا سرقت‌های سایبری در اقصی نقاط کشور بدون مواجهه با مباشر اصلی و ارتکاب جرایم خرد مثل فروش مواد مخدر در پارک‌ها یا مراکز خرید در مراکز شهرها مصادیقی است که مرزبندی‌های پیشین را در خصوص مناطق بزهکاری بی‌رنگ می‌نماید.

از آنجا که ریزومیک شدن جرایم با ظهور و گسترش روزافزون دنیای مجازی ملازمه تنگاتنگی دارد و تحولات اعجاب‌برانگیز فناوری اطلاعات، تغییر دنیای واقعی و ترسیم دنیای مجازی را با تأثیرپذیری رو به فزونی افراد جامعه از این مهم در بر داشته است، آثار این پدیده در فضای سایبری بررسی خواهد شد.

بند اول: ریزومیک شدن جرایم در فضای سایبری

بی‌تردید یکی از بارزترین دستاوردهای فرایند تحول جوامع انسانی در هزاره سوم، ظهور شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنت است که از آن به عنوان فضای سایبری یاد می‌شود. تأثیر این شبکه اطلاعاتی قدرتمند که فاقد هر گونه حد و مرز معین است، در زندگی انبای بشر در حال رشد و گسترش است. اینترنت محیطی است که هر روزه حجم انبوهی از اطلاعات مفید و ارزشمند یا غیر قانونی و مضر در آن انتقال می‌یابد؛ آن‌چنان که به‌عنوان بزرگ‌ترین فضای سایبر، شرایطی را برای بزهکاران دنیای مجازی فراهم کرده تا در کمین فرصتی برای حمله و نقض حقوق اطلاعاتی افراد و کاربران در این شبکه گسترده باشند.

بین وابستگی فزاینده جامعه به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و توانایی دولت‌ها در صیانت از فضای سایبر، شکافی پدید آمده است که بزهکاران را به سوی دنیای سایبر گسیل داشته است؛ زیرا آن‌ها دریافته‌اند که ابزارهای مرسوم، فاقد کارایی لازم است و دلایل دیجیتالی به دست آمده، تاب پیگرد آن‌ها را ندارد (بهره‌مند و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۱/۷). همچنین از منظر اجتماعی، به همان میزان که ابزارها و فناوری‌های اطلاعاتی برای جامعه سودمند واقع می‌شوند، می‌توانند موقعیت‌های مخاطره‌آمیز

جدیدی نیز ایجاد کنند. واقعیت آن است که پیدایش فناوری‌های نوین، فرصت‌های جدیدی برای افراد در تمام سطوح جامعه به وجود آورده است تا بعضاً خواسته‌های درونی خود را که امکان اظهار آن را در دنیای واقعی نمی‌یابند، در فضای سایبری ابراز کنند (فضلی، ۱۳۸۹: ۲۴). روشن است که صیانت از قواعد اجتماعی و رعایت آموزه‌های اخلاقی، از اصول حاکم بر جامعه است که منحصر به دنیای مادی نیست؛ شاخصه‌ای که گاهی با گسترش برخی هنجارشکنی‌ها و اباحه‌گری در فضای سایبر، موجب کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و تأثیر منفی بر میزان خودداری افراد جامعه از ارتکاب اعمال غیر اخلاقی شده و کاربردهای سودمند فضای سایبری را تحت الشعاع جرایم مستحدثه قرار داده است.

بزهکاری سایبری از یک سو شامل جرایم متعارفی مانند سرقت و کلاهبرداری، جاسوسی، افترا، هرزه‌نگاری، تطهیر و تروریسم می‌شود که در فضای سایبر و به کمک فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات ارتکاب می‌یابند و از سوی دیگر، به جرایم جدیدی اطلاق می‌شود که موضوع آن اقدام علیه امنیت سامانه‌ها، شبکه‌ها یا داده‌های سایبری و انفورماتیکی است؛ مانند تصاحب غیر مجاز داده‌های هویتی یک کاربر به قصد سودجویی برای خود یا دیگری یا ورود غیر مجاز به سامانه‌ی اطلاعات و نقض حریم سایبری دیگری (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۱۲). بدیهی است که توسعه جهانی فضای سایبر و محدود نشدن به مرزهای جغرافیایی، گمنامی مرتکبان به همراه عدم حضور فیزیکی طرفین جرم، خصیصه رویت‌پذیری جرایم سایبری را به حداقل رسانیده و رقم سیاه این جرایم را افزایش می‌دهد؛ همچنان که تکثیر سریع و ریزوم گونه بزهکاری را در پیوندهای افقی، نامرئی و زیرزمینی تسهیل می‌نماید.

بنابراین امروزه فضای سایبری عاملی مهم در ریزومیک شدن جرایم محسوب می‌شود^۱ که امنیت دنیای مجازی و حقیقی شهروندان را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد.^۲

۱. مقامات چینی در سال گذشته حدود ۵۴۰۰ نفر را که در انتشار هرزه‌نگاری برخلاف مشارکت داشتند، دستگیر کرده‌اند (<www.ilaw.ir>).

۲. فرماندهان انتظامی استان‌های آذربایجان غربی، اصفهان، گلستان، کرمانشاه، گیلان و خراسان رضوی به ترتیب از رشد ۸۸، ۸۵، ۵۱، ۴۰، ۲۸ و ۲۰ درصدی جرایم سایبری در سال ۱۳۹۵ خبر دادند (<www.isna.ir>; <www.mehrnews.com>; <www.khazaronline.com>).

اگرچه برخی مسئولان، افزایش مجازات جرایم سایبری را بهترین راه پیشگیری می‌دانند،^۱ باید اذعان داشت که حربه مجازات، برخوردی معلول‌مدار بوده که شکست خورده است و همواره پیشگیری مقدم بر کیفر است.

از آنجا که نمی‌توان احساس ناامنی و نگرانی درباره ریزومیک شدن جرایم، ترس یا واکنش‌های روانی ناشی از این پدیده را در جامعه از نظر دور داشت، لذا این مهم به عنوان شاخصه‌ای که به توسعه ناامنی در میان شهروندان منجر می‌شود، بررسی خواهد شد.

بند دوم: ترس از ریزومیک شدن جرایم در جامعه

تلفیق زندگی مدرن امروزی با ریزومیک شدن جرایم می‌تواند هر یک از افراد جامعه را در معرض بزهکاری یا بزه‌دیدگی قرار دهد؛ آن‌چنان که اضطرابی فراگیر در جامعه به‌ویژه در میان والدین حاکم شده و تفکیک انسان بزهکار از انسان بهنجار را سخت نماید.

بزهکاری و بزه‌دیدگی صرف‌نظر از آثار ملموس و قابل مشاهده عینی و خارجی، دارای آثار وخامت‌بار روحی و روانی در سطوح اجتماعی و فردی است. امروزه در نتیجه توسعه انواع امکانات شنیداری، دیداری و نوشتاری، نه تنها وقوع بزه در فضای واقعی و مجازی تکثیر می‌شود، بلکه سایر پیامدهای بزه از جمله ترس از جرم، امری گریزناپذیر است (غلامی، ۱۳۹۱: ۸). در سال‌های اخیر، فراوانی جرم و التهاب اجتماعی ناشی از افزایش ابزار اطلاع‌رسانی، توسعه فضای مجازی، رخنه وسیع شبکه‌های اجتماعی در خانواده‌ها، تلفن همراه و...، جوامع را در برابر بحران پدیده ریزومیک شدن جرایم قرار داده است که اجتناب از آن سهل نیست؛ زیرا از یک‌سو امکان کنار گذاشتن فناوری اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی وجود ندارد و از سوی دیگر جاذبه‌های فضای سایبری برای بزهکاران و تشدید تهدیدهای ناشی از آن رو به افول نیست؛ آن‌چنان که در جامعه کنونی شاهد هستیم که اطفال نیز از رایانه، موبایل، تبلت و... استفاده می‌کنند و همواره این نگرانی برای والدین وجود دارد که مبادا هر لحظه

۱. جندی پیش سرهنگ رمضانی، معاون حقوقی پلیس فتا اعلام نموده بود که با افزایش مجازات جرایم سایبری، مطمئناً از این جرایم پیشگیری می‌شود (۱۳۹۴/۱۱/۸) (<www.cyberbannews.com>).

فرزندشان بزه‌دیده جرایم ریزومیک شود یا ناخودآگاه مرتکب این جرایم گردد. اگرچه فضای مجازی و اینترنت واضح‌ترین نمونه یک سیستم ریزومی است، ریزومیک شدن جرایم تنها معطوف به جرایم سایبری نیست. هنگامی که فضاهای شهری سالم، بدون آنکه ظاهری ناسالم ببینند به مأمنی برای ارتکاب بسیاری از جرایم مثل خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، مزاحمت برای بانوان، فروش CDهای غیر مجاز، فروش داروهای غیر مجاز یا مکمل‌های تقلبی ورزشی، سقط جنین‌های غیر قانونی، کیف‌قاپی، سرقت تلفن همراه و... تبدیل می‌شوند، نشانگر آن است که جرایم بیش از پیش در عرصه‌های غیر قابل پیش‌بینی رخ می‌دهند و قلمرو خاصی را نمی‌توان برای زیست مجرمانه متصور شد؛ امری که موجب گسترش احساس ترس و ناامنی در میان شهروندان شده و ضرورت اعاده امنیت روانی افراد جامعه را در مقابل پدیده ریزومیک شدن جرایم بیش از پیش نمایان می‌سازد.

اگر پیشتر ترس از جرم می‌توانست باعث گسست پیوندهای اجتماعی که سرمایه‌ای مهم در راستای مبارزه با جرایم به شمار می‌آیند، باشد و افراد به ویژه سالخوردگان، زنان و اطفال، به علت ترس از حمله یا بزه‌دیدگی اغلب ترجیح می‌دادند که در خانه بمانند و از رفتن به خارج از منزل و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی خودداری کنند (نیکوکار و همت‌پور، ۱۳۹۱: ۵۶)، امروزه ریزومیک شدن جرایم با عدم اختصاص انحصاری جرم به مکانی معین، گستردگی و ناملموس بودن محیط سایبری، خانه‌نشینی‌هایی را که تصمیم می‌گیرند کمتر در دنیای مادی ظاهر شوند و بیشتر وقت خود را در دنیای مجازی بگذرانند یا حتی قشر تحصیل کرده، کارمندان در محل کار یا متمولان را نیز بزه‌دیده خود سازد. از این رو خطر گسترش جرایم ریزومیک شده انکارناشدنی است؛ پدیده‌ای که منجر به ایجاد میزان بالایی از ترس و پیامدهای جدی جرم در ابعاد مختلف اجتماعی و فردی خواهد شد.

این مهم در حالی است که از یک سو دنیای سایبری علاقمندان به خود را جذب نموده و فضای مجازی تبدیل به محیط ترجیحی می‌شود، به نحوی که نظریه معاشرت‌های ترجیحی ساترلند به مرحله عمل می‌رسد و از سوی دیگر بر اساس نظریه تغییر و گذر محیطی، رفتار و کردار افراد با گذر از محیط واقعی به فضای سایبری تغییر

می‌کند و این تفاوت رفتار با تغییر فضا و محیط، علل بزهکاری در فضای مجازی را تشکیل می‌دهد (نجفی ابرندآبادی، فصلنامه‌ی *تعالی حقوق*، ۱۳۸۸: ش ۸/۳۶ و ۱۰). با وجود این، اگرچه نظریه‌ی معاشرت‌های ترجیحی با تأکید بر شاخصه‌های شدت، مدت و کیفیت تماس فرد با فضای مجازی و تمرکز بر یادگیری بزهکاری مطمح نظر است، باید اذعان داشت که در فضای سایبری، این مهم دقیقاً در ریزومیک شدن بزه‌دیدگان نیز تحقق می‌یابد و هر یک از شهروندان می‌توانند با ترجیح دنیای سایبری، بزه‌دیده‌ی بالقوه محسوب شده، در معرض جرایم متعددی قرار گیرند؛ واقعیتی که امکان کنترل و یا حتی پیشگیری از خسارات مادی، معنوی و روانی - عاطفی آن‌ها را به حداقل می‌رساند.

بدین سان مدرن شدن جامعه از یک سو متضمن فنی شدن و ریزومیک شدن جرایم شده و از سوی دیگر موجب ترس از بزه‌دیده واقع شدن از جرایم ریزومیک شده است که به راحتی اخبار آن‌ها گسترش یافته و بزه‌دیدگان تجربه‌ی خود را با دیگران در میان می‌گذارند تا آنجا که پاکسازی بزهکاری در یک منطقه و قطع ریشه‌های جرم و مصادیق آن در حوزه‌ای معین، با آگاهی شهروندان از تکثیر مجدد ریزوم گونیه جرایم آرامش خاطر برای ایشان به همراه نخواهد داشت؛ زیرا مقابله با جرایم ریزومیک شده حتی اگر منجر به پیشگیری مقطعی از نفوذ آن‌ها شود، به گونه‌ای است که این جرایم باز هم می‌توانند حیات خود را از سر گیرند و در جهات دیگری رشد کنند؛ خصیصه‌ای که به نگرانی از ناامنی در جامعه دامن می‌زند.

در واقع هنگامی که ترس در جامعه فراگیر شود، حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به سمت آسیب‌پذیری و رکود سوق می‌دهد (Siegel, 2005: 197). این امر موجب شده است که بسیاری از کشورهای تابع مدل مردم‌سالار سیاست جنایی نیز در خصوص راهبرد پیشگیری از جرم با چرخش ایدئولوژیکی مواجه شده و شرایط تبدیل دولت آزادی‌مدار را به دولت امنیت‌مدار فراهم سازند (دارابی، ۱۳۹۵: ۱۵۸)؛ موضوعی که می‌تواند منجر به تزلزل امنیت روانی شهروندان و افزایش اضطراب در جامعه گردد. بر این اساس، با توجه به لزوم طراحی راهبرد مؤثر پیشگیری از جرم در مقابل ریزومیک شدن جرایم، گونه‌های پیشگیری از این مهم مطالعه خواهد شد.

گفتار دوم: پیشگیری از جرم در پرتو ریزومیک شدن بزهکاری

روشن است که ریزومیک شدن بزهکاری، ریزومیک شدن پیشگیری را نیز در بر داشته است و امروزه با اعمال انحای مختلف گونه‌های پیشگیری از جرم مواجه هستیم؛ تا آنجا که گاهی واضعان سیاست جنایی با تاسی از پیشگیری کیفری، سعی در مهار این پدیده داشته‌اند. اما بی‌تردید اعمال مجازات نسبت به مجرمان، اقدامی واکنشی محسوب می‌شود که در حوزه جرم‌شناسی پیشگیری از ارزش نازلی برخوردار است؛ زیرا در مطالعات جرم‌شناختی به دنبال بهره‌مندی از تدابیر غیر قهرآمیز و تلاش در راستای خروج حداکثری افراد جامعه از زرادخانه نظام عدالت کیفری هستیم.

از این رو اگرچه نظام عدالت کیفری همچنان به دنبال این است که به ضمانت اجرای کیفری، قدرت بازدارندگی قابل توجه اعطا کند، مطالعات علمی در این زمینه، تحقق این هدف را تأیید نمی‌کند؛ برعکس تحقیقات انجام شده ثابت کرده است که مجازات ندرتاً نسبت به مرتکبان احتمالی، اثر بازدارندگی دارد (جندلی، ۱۳۹۳: ۳۶). لذا دولت‌ها با ابزار کیفر نمی‌توانند خطر ریزومیک شدن جرایم را به طور قابل توجهی ریشه کن کنند، بلکه باید با اتخاذ راهبرد مؤثر پیشگیری از جرم و مدیریت متناسب با موقعیت جرایم، موج بزهکاری را عقب رانده یا آن را در حد تحمل افراد جامعه کاهش دهند.

بر این اساس، جرم‌شناسی علمی برای شناخت علل و عوامل جرم و تکرار جرم، به‌طور عمده از مطالعات و پژوهش‌های علت‌شناسی جرم بهره می‌برد و بر اساس نتایج آن‌ها در مقام حل معمای بزهکاری برمی‌آید، در حالی که جرم‌شناسی نو به‌طور عمده به «عامل‌های وضعی - فنی بزهکاری» - یعنی وضعیت‌های پیش‌جنایی - و نیز عوامل خطر جرم موجود نزد بزهکار تکیه می‌کند که زمینه تحقق و فرصت‌های ارتکاب جرم و تکرار جرم را آسان‌تر می‌کند (نجفی ابرندآبادی، تازه‌های علوم جنایی، ۱۳۸۸: ۷۳۰). روشن است که در منظر اول، واضعان سیاست جنایی، ریزومیک شدن جرایم را در بستر پیشرفت و متحول شدن جامعه می‌جویند و سعی می‌کنند با بهره‌مندی از ابزار و فناوری‌های نوین که به موازات ریزومیک شدن جرایم معرفی می‌شوند، تهدیدات این پدیده نوظهور را خنثی کنند.

شکی نیست که تلاقی تدابیر پیشگیرانه از ریزومیک شدن جرایم با فناوری اطلاعات و ارتباطات اجتناب‌ناپذیر است و بسیاری از تمهیدات طراحی شده در راهبرد پیشگیری، متضمن استفاده از پاسخ‌های پیشگیرانه برخاسته از گونه وضعی فناورانه است. اما بدیهی است که چنین راهکارهایی در مقابله با ریزومیک شدن جرایم به تنهایی کافی نبوده و حتی ناتوان است؛ آن‌چنان که ضرورت بهره‌گیری از گونه پیشگیری اجتماعی با مرکزیت فرهنگ‌سازی و اخلاق‌مداری در مصون‌سازی افراد جامعه مؤثر است.

از این رو گونه‌های پیشگیری وضعی فناورانه و اجتماعی جهت مهار پدیده ریزومیک شدن بررسی خواهد شد.

بند اول: پیشگیری وضعی فناورانه از ریزومیک شدن جرایم

پیشگیری وضعی فناورانه، گونه تکامل‌یافته پیشگیری موقعیت‌مدار است که به عنوان راهکار جدید پیشگیری از بزهکاری به اجرا درآمده است. این گونه از پیشگیری در بسیاری از کشورها به دلیل تمرکز بر راهبرد نتیجه‌محوری و سهولت تغییر موقعیت جرم نسبت به تغییر شخصیت بزهکار توسعه پیدا کرده است و معمولاً جهت مقابله با کهنه شدن تجهیزات پیشگیرانه یا جلوتر بودن مجرمان از تدابیر متولیان سیاست جنایی، با شرایط و مقتضیات جرایم جامعه حرکت کرده و به نحو مستمر روزآمد می‌شود.

رهیافت غیر کیفری موقعیت‌مدار با تکیه بر عامل‌های وضعی - فنی بزهکاری - یعنی وضعیت‌های پیش‌جنایی - در صدد است تا از گذر انحراف در فرایند گذار از اندیشه به عمل، زمینه تحقق فرصت‌های ارتکاب جرم را خنثی سازد و از آماج آسیب‌پذیر محافظت نماید (همو، ۱۳۸۹: ۵۸۱). باید اذعان داشت که استفاده از راهبرد پیشگیری وضعی فناورانه با ابزارهای کاملاً تخصصی، قابلیت بهره‌وری نسبی در پیشگیری از جرایم دنیای مجازی را به عنوان مصداق بارز جرایم ریزومیک شده داشته و با پایش و نظارت حداکثری افراد جامعه از طریق دوربین‌های مداربسته و تبدیل محیط اجتماعی به جامعه سراسرین در پیشگیری از جرایم مادی ریزوماتیک موفقیت‌های اندکی را به دست آورده است.

از این رو در راستای پاسخ به خطر ارتکاب بزه در محیط سایبری، یکی از روش‌های فناوریانه زیر انجام می‌گیرد:

۱- دشوار ساختن ارتکاب جرایم سایبری برای مجرمان بالقوه از طریق ایجاد موانع به منظور محدود نمودن فعالیت مجرمانه آن‌ها؛

۲- دشوار ساختن ارتکاب جرم با آگاهی دادن به کاربران ابزارهای فضاهای مجازی (خانعلی‌پور و اجارگاه، ۱۳۹۰: ۱۲۴). بنابراین فرصت‌زدایی، افزایش رویت‌پذیری از طریق اعمال نظارت، تدابیر محدودکننده یا سلب‌کننده دسترسی مثل فیلترینگ یا دیواره آتشین و حتی آموزش تخصصی بزه‌دیدگان بالقوه، مصادیقی هستند که به نوعی در پیشگیری وضعی فناوریانه از گسترش ریزومیک گونه جرایم به کار گرفته می‌شوند. بر این اساس، ابزارهای پیشگیری وضعی فناوریانه از طریق برنامه‌هایی که بر روی رایانه‌های شخصی و یا تلفن همراه دریافت می‌شود، منجر به اعمال نظارت همیشگی می‌شود و حضور نیروهای پلیس در اقصی نقاط شهر می‌تواند با تحدید مستقیم یا غیرمستقیم مجرمان بالقوه، معادله ریزومیک شدن سایر جرایم را به نفع متولیان سیاست جنایی بر هم زند.

به عبارت دیگر، فناوری‌های نوین، امکان کنترل جامعه را افزایش داده و وقوع ریزومیک شدن جرایم را سخت‌تر می‌نماید؛ شاخصه‌ای که در فضای دیجیتالی و دنیای مجازی حداکثر استفاده را به خود اختصاص داده است. در خصوص دیگر جرایم ریزومیک شده در دنیای مادی و در غیر از نقاط جرم‌خیز، مانند مراکز شهر، محله‌ها، فروشگاه‌ها، پارک‌ها و...، نصب دوربین‌های مداربسته، استفاده از شبکه‌های فعال خبرگیری، شنود مکالمات مظنونان، تحت نظر قرار دادن مجرمان سابقه‌دار با ابزارهای الکترونیکی، استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)، ردیاب‌ها و... می‌تواند منجر به محدودیت حوزه ارتکاب جرم و قطع شبکه ریزومیکی بزهکاری در محیط پیرامونی شود.

در حال حاضر، رویکرد مدیریت جرم‌شناختی خطر جرایم ریزومیک شده و پیشگیری وضعی فناوریانه با محوریت هوشمندسازی، یکی از راهبردهای موجود است که در پرتو تجمیع، پردازش و تحلیل صحیح داده‌های جنایی و تجهیز زندگی روزمره

افراد جامعه به سازوکارهای نوین پیشگیرانه، از انتشار ویروس گونه جرایم و زایش نامحدود آن‌ها جلوگیری می‌نماید. اگرچه تدابیر پیشگیری موقعیت‌مدار در مهار ریزومیک شدن جرایم بی‌تأثیر نبوده است، باید اذعان داشت که فناوری‌های پیشگیرانه وضعی در جامعه‌ای که از یک سو معمولاً مجرم از واضعان سیاست جنایی پیشی گرفته و به آسانی در پهنه نظام عدالت کیفری گرفتار نمی‌شود و از سوی دیگر پیچیدگی و سیالیت جرایم ره‌آورد پدیده ریزومیک شدن بوده است، کافی نیست. این شرایط مداخله کمینه‌ای و پیشگیری کرامت‌مدار از جرم را پشت سر گذاشته و منجر به پرهزینه شدن محیط اجتماعی شهروندان می‌شود؛ به گونه‌ای که ناامنی یا احساس عدم امنیت را جانشین امنیت، و اضطراب و ترس را بدیل آرامش و اطمینان در عرصه کنش‌های روزمره شهروندان می‌سازد.

بدین ترتیب ره‌آورد استقبال رو به تزاید از گونه پیشگیری وضعی فناورانه، نهادینه شدن فرهنگ امنیتی بدون التزام به رعایت موازین حقوق بشری است؛ چالشی که موجب مداخله بی‌حد و حصر در حریم خصوصی شهروندان و تحدید یا تهدید آزادی‌های مشروع افراد جامعه می‌شود. از این رو این کنترل‌های درونی و نظارت نامرئی الزام‌های اخلاقی - فرهنگی افراد است که در چارچوب پیشگیری کنشی غیر تدافعی و در رویارویی با ریزومیک شدن جرایم موفق ظاهر خواهد شد؛ راهبردی که مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بند دوم: پیشگیری اجتماعی از ریزومیک شدن جرایم

پیشگیری اجتماعی از گذر اقدامات توان‌افزا و مرتفع ساختن عوامل بنیادین جرم به دنبال جلوگیری از انعقاد تفکر مجرمانه در اذهان یکایک افراد جامعه است؛ راهبردی که با محور ارتقای رفاهیات، آموزش و پرورش و شخصیت‌سازی در تقابل پارادایمی با پیشگیری وضعی است.

اگرچه پیشگیری وضعی با تقویت سیبل جرم، رویکردی نسبتاً امنیتی را ترجیح می‌دهد (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۱) و معمولاً در حوزه تدابیر پیشگیرانه از ریزومیک شدن جرایم به عنوان حربه‌ای کارآمد به ذهن متبادر می‌شود، اما حضور مستمر پلیس و

استفادهٔ حداکثری از فناوری و مهندسی ابزارهای پیشگیری وضعی فناورانه، بدون وجود شاخصه‌های درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی - اخلاقی و عدم تقویت افراد به قدرت خودکنترلی و خودانضباطی، یارای مهار ریزومیک شدن جرایم را نخواهد داشت.

بی‌تردید جامعه برای اینکه جرم‌زا نباشد، باید بر اساس ارزش‌ها بنا گردد (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۵: ۲۸۶). اما از آنجا که معمولاً راهکارهای فنی برای مقابله با جرایم ریزومیک شده، با افزایش دانش مرتکبان این جرایم از غلبه بر آن‌ها ناتوان است و از سوی دیگر هزینه‌های سنگینی را برای تجهیز و نگهداری سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بر افراد جامعه متحمل می‌سازد، شخصیت‌سازی و آموزش راهکارهای مؤثر مثل ارائهٔ مرام‌نامه‌های ارزشی و رهنمودهای صنفی تحت عنوان کدهای رفتاری در کنار الزامات قانونی و حقوقی واجد اهمیت است.

برای نمونه، جایی که فرد به رغم وجود ابزارهای پیشگیرانهٔ وضعی، با پشت سر گذاشتن این ادوات، به قصد تفنن، کنجکاوی، لذت‌طلبی و یا به قصد ارتکاب جرم، با ورود به حریم خصوصی سایبری دیگران نسبت به پخش فیلم یا تصاویر شخصی ایشان مبادرت می‌کند یا بعضاً در موقعیتی قرار می‌گیرد که برای بسط جرایم ریزومیک شده با هیچ ناظر و مانع بیرونی مواجه نیست، تنها تسلیح و تجهیز وی به پلیس درونی و معیارهای اخلاقی - ارزشی است که می‌تواند فرد را از وسوسه‌های مجرمانه رها سازد؛ شاخصه‌ای که با تغلیب راهبرد پیشگیری اجتماعی از ریزومیک شدن جرایم در بستر کار فرهنگی - آموزشی تبلور می‌یابد.

مهم‌ترین تدابیر ایجابی پیشگیری از جرایم سایبری، برنامه‌ها و پروژه‌های مبتنی بر تولید محتوای فرهنگی سایبری، دیجیتالی کردن محتوای فرهنگی سنتی و ایمن‌سازی فضای سایبری از طریق آموزش، اطلاع‌رسانی و سایر برنامه‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت است (مقیمی، سیاست‌ها و تدابیر سازمان ملل متحد...، ۱۳۹۵: ۴۶). بنابراین در جامعه‌ای که جرایم شکل ریزومیک یافته‌اند، پایش و نظارت مستمر از طریق ایجاد جامعهٔ سراسرین که با توسعهٔ فضاهای کنترل‌شده سعی می‌کند خُردترین جرایم را رصد نماید، امکان‌پذیر نیست و نظم و انضباطی که با حضور کنشگران انسانی یا ابزارها و ادوات

پیشگیری وضعی فناوریانه تأمین شود، به محض غیبت، غفلت یا مهار آن‌ها، شرایط قانون‌گریزی، هنجارشکنی و مباشرت یا مشارکت در بسط جرایم ریزومیک شده را رقم خواهد زد.

بی‌شک چنین کنترلی مستلزم ابزار مراقبتی همیشگی، فراگیر و همه‌جا حاضر است؛ مراقبتی که بتواند همه‌چیز را رویت‌پذیر سازد (فوکو، ۱۳۹۰: ۲۶۶)، در حالی که اقتضای مواجهه با ریزومیک شدن جرایم و مقاومت پایدار افراد جامعه در برابر این پدیده، تعامل و هم‌افزایی متولیان سیاست جنایی و شهروندان است؛ پارادایمی که متضمن ایفای حق بر پرورش شخصیت و جامعه‌پذیری یکایک شهروندان توسط دولت‌هاست. فراهم نمودن بستر لازم برای تقویت مهارت‌های اجتماعی، ایجاد تعهدات درونی و پرورش سلوک اخلاقی افراد جامعه به همراه دعوت ایشان به رعایت هنجارها و زندگی اجتماعی قانونمند با بهره‌گیری از نهادهای رسمی و غیر رسمی مؤثر در پیشگیری از جرم مانند خانواده، مدرسه، مسجد و...، از مهم‌ترین ضرورت‌های رشد سالم انسان و شکل‌گیری شخصیتی متعادل در اوست که موجب می‌شود افراد جامعه در مقابل توسعه ریزوم گونه جرایم، چهره منفعل به خود نگیرند.

بدین‌سان کنترل بزهکاری و تأمین امنیت اجتماعی، رسالتی است که از یک‌سو بر عهده همه نهادهای عمومی و از سوی دیگر، در گرو شرکت دادن مردم یعنی جامعه مدنی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۱۳). لذا پیشگیری از ریزومیک شدن جرایم مستلزم مساعی دولت و جامعه مدنی است و تمرکز بر راهبرد پیشگیری وضعی بدون در نظر داشتن این مهم امری لغو می‌نماید.

از این رو واضعان سیاست جنایی با اذعان به این مهم که اتکای بیش از حد بر گونه‌های موقعیت‌مدار پیشگیری از جرم می‌تواند برون‌داد برنامه‌های پیشگیرانه را با کاهش معناداری مواجه سازد (Van Dijk et al, 2009: 135)، باید از ترکیب هوشمندانه گونه‌های پیشگیری از جرم سود جسته و با در نظر داشتن ماهیت ریزومیک شدن جرایم سعی در تغلیب راهبرد پیشگیری اجتماعی بر گونه پیشگیری وضعی داشته باشند؛ شاخصه‌ای که با نظارت نامرئی، افزایش خودمراقبتی و بدون کنترل چهره به چهره و فیزیکی ملازمت خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

ریزومیک شدن جرایم، تولد رفتارهای جنایی نوظهور و حقیقتی انکارناپذیر است که فاقد مرکز و رده‌بندی، عاری از دلالت و با بی‌مکانی همراه است، آن‌چنان که در وقوع این مهم از مرزبندی‌های بوم‌شناسی جنایی و تفکر خطی پیرامون کانون‌های جرم‌خیز خبری نیست؛ امری که پدیده ناامنی را به جزء لاینفک زندگی شهری بدل کرده است. دنیای مجازی، اینترنت، موبایل و گسترش تصاعدی و ریزوم گونه کنش‌های مجرمانه در سراسر جامعه، راهبرهای موجود پیشگیری از جرم و برقراری امنیت شهری را تحت الشعاع قرار داده است. بدیهی است که راهبرد پیشگیری از جرم زمانی می‌تواند حداکثر اثربخشی را داشته باشد که بر اساس شناخت علمی ماهیت، عوامل جرم و نابه‌هنجاری‌ها بنا نهاده شود.

در این خصوص، پیچیدگی در زندگی روزمره مدرن نیاز به قدرت پیچیده و ادوات پیشگیرانه نوین را مرجح می‌داند، آن‌چنان که به کارگیری فناوری‌های انضباطی و غیرجسم‌مند گونه پیشگیری وضعی فناورانه، نوید نظارت مستمر و سراسری را بر افراد جامعه می‌دهد؛ پارادایمی که تصور تسلیح جامعه را در برابر پدیده ریزومیک شدن جرایم تصدیق می‌نماید. اما روشن است که بزهدکاران معمولاً در محیط ریزومیک، عمل خود را قبیح نمی‌شمارند و صرف کنترل بیرونی و بهره‌مندی از راهبرد پیشگیری وضعی در برابر تغییر اشکال جرایم مثمرتر نیست؛ آثار این گونه از پیشگیری مقطعی، مسکن و موقت است.

اگرچه پراکنده شدن و تمرکززدایی در حوزه بزهدکاری منجر به گسترش احساس ناامنی در فضاهای مسکونی - کاری شده است، چندان که اقدام‌های تأمین امنیت - بر خلاف آنچه در نظریه متمركز بودن جرم معطوف به دو یا سه منطقه بود- نیز ریزومیک شده و شاهد نصب ایستگاه‌های پلیس در اکثر محله‌ها در کنار کلاتتری‌های سنتی هستیم که به نوعی ریزومیک شدن نظارت را در پرتو پیشگیری موقعیت‌مدار رقم زده است، اما باید اذعان داشت که نظارت ریزومیک غیر فناورانه یا وضعی که با نهادینه‌سازی خودکنترلی در وجود شهروندان حاصل می‌شود، جامعه را در برابر پدیده ریزومیک

شدن جرایم مصون می‌سازد.

بدین سان اگرچه مشارکت فعال و خلاقانه شهروندان در این فرایند، یاری رسانیدن نهادهای دولتی و تجهیز افراد جامعه به خودمراقبتی در برابر جرایم ریزومیک شده، موازنه راهبرد پیشگیری را در بستر تعامل دولت و شهروندان به تعادل می‌رساند، اما باید اذعان داشت که برنامه‌ریزی، اجرا، مدیریت و ارزیابی اقدامات کلان‌کنشی جامعه‌مدار که متضمن ارتقای آگاهی‌های عمومی، رشد فضایل اخلاقی در جامعه، شخصیت‌سازی و آموزش و پرورش‌مداری است، از تکالیف اساسی دولت‌ها بوده که صرفاً با زعامت و اشراف متولیان دولتی محقق می‌شود.

بنابراین تطبیق فناوری‌های موجود با فرهنگ جامعه از طریق راهبرد پیشگیری اجتماعی، آموزش اخلاق‌مداری در فضای سایبری و تجهیز افراد جامعه به الزام‌ها و کنترل‌های درونی است که به رغم ریزومیک شدن جرایم، ایشان را در برابر این پدیده مصون می‌سازد. فردی که به واسطه روشن بودن بلوتوث موبایل خویش در اماکن عمومی مانند مترو یا فروشگاه‌های بزرگ و... با دریافت فیلم خصوصی یک شهروند از جانب یک مباشر جرم ریزومیکی مواجه می‌شود و می‌تواند به آسانی آن را در سایر نقاط و در مقیاس وسیع بازنشر کند، صرفاً با تأسی از تقوا، پلیس درونی یا آموزه‌های اخلاقی است که از این کار نهی می‌شود و اگر به صرف استفاده از تجهیزات فناورانه، نظارت ماشینی و هوشمند، فیلترینگ یا حتی جرم‌انگاری و کیف‌گذاری سعی در پیشگیری از ریزومیک شدن جرایم داشته باشیم، راهبردی موفقیت‌آمیز نخواهد بود. بدین سان واضعان سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران نیز باید به موازات بهره‌مندی از تدابیر موقعیت‌مدار، راهبرد اصلی خود را بر تدابیر توان‌افزا و استفاده از شهروندان در تأمین امنیت خود متمرکز نمایند. از این رو می‌توان با سرمایه‌گذاری بر روی اقدامات فرهنگی در پرتو آموزه‌های جرم‌شناسی، نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی، اختصاص کتب درسی پیشگیرانه با مضامین مرتبط با آسیب‌های ناشی از فضای سایبر و تدریس این مهم توسط کارشناسان از دوران ابتدایی و تهیه برنامه‌های آموزشی سودمند از طریق رسانه‌های جمعی، جامعه را نسبت به پدیده ریزومیک شدن جرایم آگاه و مصون ساخت.

کتاب‌شناسی

۱. ابراهیمی، شهرام، *جرم‌شناسی پیشگیری*، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۱ ش.
۲. براگا، آنتونی ای.، «مکان‌های جرم‌خیز، زمان‌های جرم‌زا و بزهکاران پُر جرم»، ترجمهٔ محبوبه منفرد، در: *دانشنامهٔ پیشگیری از جرم آکسفورد*، تهران، میزان، ۱۳۹۴ ش.
۳. بهره‌مند، حمید و حسین کوره‌پز و احسان سلیمی، «راهبردهای وضعی پیشگیری از جرایم سایبری»، *فصلنامهٔ آموزه‌های حقوق کیفری*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شمارهٔ ۷، ۱۳۹۳ ش.
۴. جندلی، منون، *درآمدی بر پیشگیری از جرم*، ترجمه و تحقیق شهرام ابراهیمی، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.
۵. خانعلی‌پور واجارگاه، سکینه، *پیشگیری فنی از جرم*، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۶. دارابی، شهرداد، *پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالارسیاست جنایی*، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۷. رامین‌نیا، مریم، «رویکرد ریزوماتیک و درختی، دو شیوهٔ متفاوت در آفرینش و خوانش ادبی»، *فصلنامهٔ ادب‌پژوهی*، شمارهٔ ۳۲، ۱۳۹۴ ش.
۸. غلامی، حسین، «ترس از جرم و سیاست جنایی»، دیباچه در: حمیدرضا نیکوکار و بهاره همت‌پور، *ترس از جرم*، تهران، میزان، ۱۳۹۱ ش.
۹. فضلی، مهدی، *مسئولیت کیفری در فضای سایبری*، تهران، خرسندی، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. فوکو، میشل، *مراقبت و تنبیه؛ تولد زندان*، ترجمهٔ نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چاپ نهم، تهران، نی، ۱۳۹۰ ش.
۱۱. کاظمی، عباس، «اریزومیک شدن جرایم و دگردیسی در مفهوم امنیت شهری»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم*، ۱۳۸۸ ش.
۱۲. مقیمی، مهدی، *سیاست‌ها و تدابیر سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرم سایبری*، رسالهٔ دکتری دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵ ش.
۱۳. همو، «مؤلفه‌های مکانی پیشگیری وضعی از جرم»، *دائرةالمعارف علوم جنایی*، کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی»، دیباچه در: ژرژ پیکا، *جرم‌شناسی*، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۱۵. همو، «بزهکاری و جرم‌شناسی سایبری»، *فصلنامهٔ تعالی حقوق*، سال چهارم، شمارهٔ ۳۶، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. همو، «به سوی تعریف یک سیاست ملی پیشگیری از بزهکاری»، دیباچه در: براندون سی. ولش و دیوید پی. فارینگتون، *دانشنامهٔ پیشگیری از جرم آکسفورد*، ترجمهٔ گروهی از پژوهشگران حقوق کیفری و جرم‌شناسی، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، تهران، میزان، ۱۳۹۴ ش.
۱۷. همو، «پیشگیری عادلانه از جرم»، در: *علوم جنایی* (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ سوم، تهران، سمت، ۱۳۸۹ ش.
۱۸. همو، *تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)*، دورهٔ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، نیم‌سال دوم ۱۳۹۱ ش، قابل دسترسی در: www.lawtest.ir.
۱۹. همو، «کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار»، در: *تازه‌های علوم جنایی*، ۱۳۸۸ ش.
۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی، *دانشنامهٔ جرم‌شناسی*، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۵ ش.

۲۱. نیکوکار، حمیدرضا و بهاره همت‌پور، ترس از جرم، تهران، میزان، ۱۳۹۱ ش.
22. Deleuze, Gilles & Felix Guattari, *A Thousand Plateaus: A Critical Introduction and Guide*, Edinburgh University Press, 2015.
23. Siegel, Larry J., *Criminology: Theories, Patterns, Typologies*, 7th ed., U.S.A., Wadsworth Publishing, 2005.
24. Van Dijk, Jan J. M. & Jaap de Waard, "Forty Years of Crime Prevention in the Dutch Polder", in: Adam Crawford (ed.), *Crime Prevention Policies Comparative Respective*, 2009.
25. Williams, James, *Gilles Deleuze's Difference and Repetition: A Critical Introduction and Guide*, Edinburgh University Press, 2004.

